Journal of
Comparative Criminal Jurisprudence
www.jccj.ir

Volume 5, Issue 4, 2025

Comparative Analysis of the Differential Trial Process of Crimes of Legal Entities in Iranian and American Criminal Law

Mahdi Abdi [1], Hamidreza Mirzajani [2*], Mahdi Shayeganfard [3], Mohsen Lal Alizadeh [4]

1. Department of Criminal Law and Criminology, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran.
2. Department of Criminal Law and Criminology, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)
3. Department of Criminal Law and Criminology, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran.
4. Assistant Professor, Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:Original Research
Pages: 273-283

Corresponding Author's Info
ORCID: *0000-0003-1813-4472*
TELL: *+985137667263*
Email: *hr.mirzajani@iau.ac.ir*

Article history:
Received: *09 Feb 2025*
Revised: *26 Apr 2025*
Accepted: *04 June 2025*
Published online: *22 Dec 2025*

Keywords:
Differential Trial Process, Legal Entities, Iranian Legal System, American Legal System.

ABSTRACT

With the increasing expansion of economic and social activities, the role of legal entities in society has become more prominent. For this reason, crimes committed by these entities can have destructive effects on the economic and social system. The trial of crimes of legal entities requires a differential approach due to the different nature of these entities from natural persons. In general, regarding the principles of differential trial of crimes of legal entities, it should be stated that legal entities are abstract entities. On the other hand, legal entities, due to their abstract nature, lack will and knowledge in the human sense, and according to some who are against the criminal liability of legal entities, legal entities should not be punished in principle. In Iranian law, the differential trial of crimes of legal entities has not been separated as a principle, only a law with 9 articles has briefly created differences in the trial of crimes of these persons in some cases, which cannot be called differential trial in the true sense. In American law, the trial of crimes against legal entities differs from the trial of crimes against natural persons.

This is an open access article under the CC BY license. © 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Abdi, M; Mirzajani, H; Shayeganfard, M & Lal Alizadeh, M (2025). "Comparative Analysis of the Differential Trial Process of Crimes of Legal Entities in Iranian and American Criminal Law". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(4): 273-283.

فصلنامه فقه جزای تطبیقی
www.jccj.ir
دوره پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۴

تحلیل تطبیقی فرآیند دادرسی افتراقی جرائم اشخاص حقوقی در حقوق کیفری ایران و آمریکا

مهدی عبدی [۱]، حمیدرضا میرزاجانی [۳*]، مجید شایگان‌فرد [۲]، محسن لعل‌علیزاده [۴]

۱. گروه جزا و جرم‌شناسی واحد مشهد دانشگاه آزاد اسلامی مشهد ایران.
۲. گروه جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسؤول)
۳. گروه جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
۴. استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات: ۲۸۳-۲۷۳

اطلاعات نویسنده مسؤول
کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۱۸۱۳-۴۴۷۲
تلفن: ۵۱۳۷۶۶۷۲۶۳ ۹۸+
ایمیل: hr.mirzajani@iau.ac.ir

سابقه مقاله:
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۴
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:
فرایند دادر سی افتراقی، ا شخاص حقوقی، نظام حقوقی ایران، نظام حقوقی آمریکا.

چکیده

با گسترش روزافزون فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، نقش اشخاص حقوقی در جامعه پررنگ‌تر شده است. به همین دلیل، جرائم ارتکابی توسط این اشخاص می‌تواند اثرات مخربی بر نظام اقتصادی و اجتماعی داشته باشد. دادرسی جرائم اشخاص حقوقی به دلیل ماهیت متفاوت این اشخاص با اشخاص حقیقی، نیازمند رویکرد افتراقی است. به‌صورت کلی در مورد مبانی دادرسی افتراقی جرائم اشخاص حقوقی باید بیان داشت که اشخاص حقوقی موجودات انتزاعی هستند. از طرفی اشخاص حقوقی با توجه به ماهیت انتزاعی آن‌ها فاقد اراده و علم به معنای انسانی می‌باشند و به تعبیر عده‌ای که مخالف مسؤولیت کیفری داشتن اشخاص حقوقی می‌باشند، اساسا اشخاص حقوقی نباید مجازات شوند. در حقوق ایران دادرسی افتراقی جرائم اشخاص حقوقی به‌صورت یک اصل تفکیک نگردیده است، فقط قانونی با ۹ ماده به‌صورت مختصر در برخی موارد تفاوت‌هایی در دادرسی جرائم این اشخاص ایجاد نموده است که نمی‌توان به معنای واقعی به آن دادرسی افتراقی گفت. در حقوق آمریکا، دادرسی جرائم اشخاص حقوقی با جرائم اشخاص حقیقی تفاوت‌هایی دارد.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی مقاله حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.

© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

۱- ویژگی ساختار و شخصیت خاص اشخاص حقوقی

افتراقی شدن نظام دادرسی اشخاص حقوقی به اعتبار شخصیت مرتکب و ویژگی‌های خاص شخص حقوقی است. ریشه‌های تفاوت را می‌توان در شخصیت شخص حقوقی و ویژگی‌های آن و عدم اجرای برخی موارد آیین دادرسی جستجو کرد. ازنظر ماهوی در ایران، شرایط مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی به‌موجب ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی تعیین‌شده‌اند که در صورت تحققشان، مجازات مقرر در ماده ۲۰ با شرایط پیش‌بینی‌شده در ماده ۲۱ و ۲۲ در مورد این اشخاص اعمال می‌شوند. وقتی ازنظر ماهوی یک نظام خاص برای مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی پیش‌بینی می‌شود، باید توجه داشت که این موضوع نیازمند دادرسی ویژه‌ای است؛ زیرا ماهیت جرائم اشخاص حقوقی با جرائم اشخاص حقیقی متفاوت است. از طرفی تعقیب و محاکمه اشخاص حقوقی نیازمند مقرراتی خاص است که در مورد اشخاص حقیقی موضوعیت ندارند. این وضعیت بستر و زمینه‌ساز دادرسی افتراقی اشخاص حقوقی است.

از نظر جرم‌شناسی، مبانی جرم‌شناختی متعددی برای توجیه دادرسی افتراقی جرائم اشخاص حقوقی در حقوق ایران و آمریکا وجود دارد. برخی از مهم‌ترین این مبانی عبارت‌اند از؛ تفاوت ماهیت اشخاص حقوقی و اشخاص حقیقی، ضرورت اعمال مجازات متناسب و حمایت از منافع ذینفعان. ضرورت دادرسی افتراقی برای اشخاص حقوقی از این واقعیت ناشی می‌شود که آن‌ها موجوداتی غیرانسانی هستند. مجازات سنتی مانند حبس، ممکن است برای شرکت‌ها که افراد زنده نیستند، مناسب نباشد. در عوض، مجازات جایگزین مانند جریمه‌های نقدی، الزام به انجام خدمات عمومی یا محرومیت از مزایا و مجوزها ممکن است مؤثرتر باشد.

در ایالات‌متحده، دادرسی افتراقی اشخاص حقوقی در قوانین فدرال و ایالتی به رسمیت شناخته‌شده است. به‌عنوان‌مثال، قانون سازمان‌های فدرال اصلاح‌شده به دادستان‌ها اجازه می‌دهد تا علیه شرکت‌هایی که در فعالیت‌های فاسد شرکت می‌کنند، دعاوی مدنی اقامه کنند. دادرسی افتراقی اشخاص حقوقی رویکردی مهم برای اطمینان از پاسخگویی شرکت‌ها در قبال اقدامات خود و جلوگیری از آسیب به جامعه است. این رویکرد به‌طور فزاینده‌ای در ایالات‌متحده و سایر کشورها به رسمیت شناخته‌شده است (Braithwaite, 1984: 213). این ویژگی‌های ساختاری را می‌تواند در ابعاد ذیل بررسی نمود:

۱-۱- شخصیت مستقل

شیوه‌های پیچیده و حرفه‌ای ارتکاب و معیارهای کنترل متفاوت ازجمله مهم‌ترین دلایل عدم توجه جرم‌شناسان و دادگاه‌ها به این گروه از جرائم است. اندیشمندانی که در جستجوی جهت‌دهی مجدد به جرم‌شناسی یا حداقل برقراری تعادل میان توجه به جرائم کلاسیک و نگرانی‌های ناشی از گستره صدمات و آسیب‌های فعالیت‌های اشخاص حقوقی جامعه بودند، همواره در این عرصه تلاش کرده‌اند (محسنی، ۱۳۹۱: ۱۳۳)؛ اما آنچه مسلم است اینکه تعداد کمی از جرم‌شناسان به بررسی آنچه جرائم اشخاص حقوقی و در اصطلاح جرم‌شناسی «جرائم شرکتی» نامیده می‌شود علاقه‌مند هستند و تقریبا تمام صاحب‌نظران این حوزه در مورد تحقیقات اندک و آثار کمی که به رشتهٔ تحریر درآمده‌اند اتفاق‌نظر دارند (Newburn, 2007: 372).

از طرفی دیگر، شرکت‌ها و واحدهای کسب‌وکار و تجارت از اجتماع افرادی تشکیل‌شده‌اند که به نمایندگی از جانب آن‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند و به فعالیت می‌پردازند؛ بنابراین، منافع شرکت منافع افراد نیز هستند و ممکن است در راستای پیشبرد اهداف شرکت و در جهت تحصیل منافع خود تحت پوشش شرکت، مرتکب جرائم شرکتی شوند. البته با توجه به وسعت و اهمیت این حوزه از بزهکاری، چشم‌انداز جرائم شرکتی، انگیزه‌ها و اهداف ارتکاب آن‌ها بسیار فراتر از منافع شخصی کارکنان آن هستند؛ بنابراین، وجود وصف سازمانی در مورد اعمال ارتکابی نشان‌دهنده فرهنگ و عملکرد شرکتی به‌عنوان مهم‌ترین عنصر شناخت این دسته از جرائم است (Newburn, 2007: 374).

[1]- RICO

۲-۱- ماهیت و اهداف

با توجه به ساختار، ماهیت و اهداف جرائمی که اغلب توسط اشخاص حقوقی ارتکاب می‌یابند، مجرمین شرکتی ضمن پرهیز از اعمال خشونت‌بار و سنگین، در راستای نیل به اهداف مجرمانه خود، با استفاده از چهره و موقعیت اجتماعی موجهشان، به انواع رفتارهای فریبکارانه و یا غیراخلاقی که ممکن است جرم‌انگاری نشده باشند متوسل می‌شوند. همین نکته یکی از دشواری‌های شناسایی این مجرمین و موانع موجود در تعقیب و دادرسی محسوب می‌شود. به همین دلیل، بیشتر جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان در مقام ارائه تعریف و مصادیق، باهدف پوشش بیشترین انواع جرائم شرکتی، حوزه‌ای وسیع را برای این جرائم ترسیم کرده‌اند و مواردی مانند ایجاد انحصار در تجارت، برچسب‌های خلاف واقع روی مواد غذایی، به‌کارگیری ناعادلانه نیروی کار و ... را که هیچ‌کدام جرم‌انگاری نشده‌اند و یا عملا تحت نظارت و تعقیب کیفری قرار ندارند نمونه‌هایی از جرائم شرکتی محسوب کرده‌اند (Green, 2005: 105).

مجرمین شرکتی در پناه محرمانه و مخفیانه نگه‌داشتن رفتارهای خود رشد می‌کنند و نه‌تنها عملکرد غیرقانونی خود را علنی نمی‌سازند بلکه سعی در قانونی و موجه نشان دادن رفتار خوددارند. طبیعتا چنین عملیاتی در صورتی مخفیانه و سری باقی می‌ماند که توسل به‌زور و خشونت به حداقل ممکن کاهش یابد و فقط در موارد استثنائی بکار گرفته شود. ماهیت پنهان‌کاری این دسته از مجرمین به‌طور ذاتی دربردارنده عناصری مانند فریب، حیله و ظاهرسازی است (Federal Bureau of Investigation, 1989: 3).

۳-۱- انگیزه ارتکاب جرم

یکی دیگر از مشخصه‌های جرائم اشخاص حقوقی انگیزه آن‌ها در ارتکاب جرم در مقایسه با جرائم خشونت‌بار و خیابانی است. مجرمین گروه اخیر معمولا به دلیل فقر و نیازهای روزانه مرتکب جرم می‌شوند، حال‌آنکه زیاده‌خواهی و طمع محرک اصلی مجرمین شرکتی در فرآیند ارتکاب جرم است (Federal Bureau of Investigation, 1989: 3).

جرائم اشخاص حقوقی اغلب دربردارنده آثار منفی وسیع در سطح خرد و کلان هستند. دامنه این عواقب و عوارض از تأثیر بر سلامت اقتصادی کشورها تا مختل نمودن عملکرد شرکت‌ها و سازمان‌ها و کارکنان آن‌ها، تنزل ارزش بورس و اوراق قرضه، جرائم مربوط به وام‌های بانکی، تضعیف اطمینان سرمایه‌گذار و از بین رفتن سرمایه‌گذاری شخصی و حتی ورود زیان به کسانی که پس‌انداز و موجودی‌های شخصی اندک خود را از دست می‌دهند و ...گسترش‌یافته است (Price & Norris, 2009: 56). بنابراین ممکن است دامنه اثرگذاری جرم ارتکابی تا اختلال در نظام اقتصادی کشور پیش برود.

در جرائم خیابانی و خشونت‌بار، همواره بزه‌دیده مستقیم، مفرد و مشخصی وجود دارد. در مقابل، عدم وجود این وضعیت در مورد اکثر جرائم شرکتی و وجود نداشتن شخصی معین به‌عنوان بزه‌دیده جرم، باعث ایجاد این شبهه شده است که این جرائم در گروه جرائم بدون بزه‌دیده قرار می‌گیرند. درحالی‌که این امر به‌هیچ‌وجه مؤید بدون بزه‌دیده بودن این جرائم نیست. نکته مهم این است که به لحاظ ماهیت و شیوه ارتکاب، برخی انواع جرائم شرکتی فاقد بزه‌دیده مشخص و مستقیم هستند، ولی اثرات غیرمستقیم و غیرملموس آن‌ها عده زیادی را دربر می‌گیرد (Price & Norris, 2009: 56).

۴-۱- اموال و دارایی‌های مستقل

وجود اموال و دارایی‌های مستقل برای اشخاص حقوقی، یکی از مهم‌ترین دلایلی است که ضرورت دادرسی افتراقی جرائم این اشخاص را در حقوق ایران و آمریکا به اثبات می‌رساند. دادرسی افتراقی همچنین می‌تواند به جلوگیری از سوءاستفاده از اموال شرکت توسط مدیران یا سایر نمایندگان آن‌ها برای ارتکاب جرم کمک کند. اگر شرکت‌ها به‌طور کامل مسؤول جرائم نمایندگان خود باشند، این انگیزه را برای نظارت و کنترل بهتر بر اقدامات آن‌ها خواهند داشت. دادرسی افتراقی می‌تواند به جلوگیری از فرار شرکت‌ها از مجازات به دلیل جرائمی که مرتکب می‌شوند، کمک کند. اگر شرکت‌ها فقط به دلیل جرائمی که توسط مدیران یا کارکنان آن‌ها به‌طور مستقیم ارتکاب می‌شود، مسؤول شناخته شوند، ممکن است راه‌هایی برای فرار از مجازات پیدا کنند. در هر دو سیستم حقوقی ایران

و آمریکا، وجود اموال و دارایی‌های مستقل برای اشخاص حقوقی، ضرورت دادرسی افتراقی جرائم این اشخاص را به اثبات می‌رساند. این امر به این دلیل است که استقلال شخصیت حقوقی و مسؤولیت محدود شرکت‌ها، ایجاب می‌کند که آن‌ها به‌طور جداگانه برای جرائمی که مرتکب می‌شوند، پاسخگو باشند. دادرسی افتراقی همچنین به محافظت از حقوق ذینفعان غیرمسؤول، جلوگیری از سوءاستفاده از اموال شرکت و تضمین پاسخگویی شرکت‌ها در قبال اقداماتشان کمک می‌کند.

۵-۱- شیوه ارتکاب جرم از سوی اشخاص حقوقی

همان‌طور که ویژگی‌های تیپ شخصیتی مجرمان اشخاص حقوقی با اشخاص حقیقی و جرائم سنتی متفاوت است، نوع جرائم نیز در نوع اشخاص حقوقی و سنتی تفاوتی آشکار دارد. در چنین شرایطی، شیوه ارتکاب جرم نیز گوناگون خواهد بود. برای مثال، یک سارق برای رسیدن به مقصود خود باید عواملی متعدد را در نظر بگیرد، از مهارت در سرعت گرفته تا محلی که این رفتار را می‌خواهد انجام دهد و حتی در نظر گرفتن شخصی که مطمئن باشد مال وی حاوی دارای ارزش زیاد است. شیوه ارتکاب جرم در جرائم اشخاص حقوقی نه‌تنها به‌طورکلی متفاوت با جرائم سنتی است، بلکه به سبب تنوع این جرائم، شیوه‌های ارتکابی آن‌ها نیز متفاوت است. مجرمان اشخاص حقوقی عموما برای بهره‌برداری از فرصت‌های مجرمانه، تکنیک‌هایی خاص را به کار می‌گیرند و این تکنیک‌ها برخلاف جرائم سنتی نیازمند استفاده از فیزیک بدن نیستند. برای مثال، مجرم اشخاص حقوقی ممکن است با فشار دادن فقط چند کلید رایانه مرتکب یک جرم کلان شود. اوج استفاده از فیزیک بدن در جرائم اشخاص حقوقی در نوشتن، صحبت با تلفن، واردکردن اطلاعات به رایانه و مباحثی ازاین‌دست خلاصه می‌شود.

لذا با توجه به اینکه جرائم اشخاص حقوقی_ مخصوصا درجایی که این جرائم دارای ویژگی یقه‌سفیدی باشد_ در منظر عمومی به سبب جایگاه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی‌ای که دارند، از مشروعیت و مقبولیت نسبتا پذیرفتنی‌ای برخوردار هستند، امکان تصور اینکه این افراد در سطوح بسیار کلان در حال ارتکاب جرم هستند از سوی عموم مردم مشکل است.

در نظام دادرسی کشور امریکا، به دلایلی دادرسی افتراقی جرائم اشخاص حقوقی به جهت شیوه جرائم آن‌ها قابل توجیه است:

۱-۵-۱- تفاوت ماهوی در ارتکاب جرم

اشخاص حقوقی فاقد اراده و سوءنیت هستند و اعمال مجرمانه آن‌ها از طریق نمایندگانشان (اعم از مدیران، کارکنان و یا سایر اشخاص مرتبط) صورت می‌گیرد. اثبات سوءنیت در جرائم اشخاص حقوقی دشوارتر است و نیازمند بررسی دقیق اقدامات و تصمیمات نمایندگان و نیز ساختار سازمانی شخص حقوقی می‌باشد (Calvert, 2008: 18).

۲-۵-۱- تعدد و تنوع مرتکبان

اشخاص حقوقی، جرائم آن‌ها از طریق نمایندگان متعددی که در سطوح مختلف سازمانی فعالیت می‌کنند، قابل ارتکاب است. این امر موجب پیچیدگی در فرآیند شناسایی و تعقیب مرتکبان می‌شود و ضرورت رسیدگی تخصصی و دقیق را به دنبال دارد (Choi & Sharman, 2005: 23).

۳-۵-۱- ماهیت پیچیده فعالیت‌ها

اشخاص حقوقی، فعالیت‌های آن‌ها پیچیده، تخصصی و متنوع است و دربرگیرنده فرآیندها، تصمیمات و روابط متعددی می‌باشد. رسیدگی به جرائم این اشخاص نیازمند تسلط بر دانش تخصصی مرتبط با حوزه فعالیت آن‌ها و درک دقیق ساختار سازمانی و روابط حاکم بر آن است (Simpson & Ashworth, 2009: 18).

۴-۵-۱- پیامدهای گسترده جرائم

اشخاص حقوقی، جرائم آن‌ها می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای جامعه، محیط‌زیست، سلامت عمومی و... داشته باشد. رسیدگی به این جرائم با حساسیت و دقت بیشتری دنبال می‌شود تا از تضییع حقوق ذینفعان و حفظ نظم عمومی صیانت شود (Braithwaite, 2002: 35).

۵-۵-۱- ضرورت‌های اثبات

اشخاص حقوقی، اثبات جرم آن‌ها به دلیل پیچیدگی فعالیت‌ها و تعدد مرتکبان، نیازمند بررسی اسناد و مدارک سازمانی،

استعلامات و نظرات کارشناسی و سایر ادله اثباتی تخصصی است (Ashworth & Hagan, 2008).

۶-۵-۱- تنوع مجازات‌ها

اشخاص حقوقی، مجازات آن‌ها علاوه بر مجازات مالی مانند جریمه نقدی، می‌تواند شامل محرومیت از فعالیت، انحلال، مصادره اموال و... نیز باشد. انتخاب مجازات مناسب برای اشخاص حقوقی نیازمند ارزیابی دقیق ماهیت جرم، میزان گناهکاری و تأثیرات مجازات بر ذینفعان و جامعه است (Guyer & Payne, 2009).

لذا با توجه به تفاوت‌های ماهوی در شیوه ارتکاب جرم، پیچیدگی‌های رسیدگی به این جرائم و ضرورت‌های اثبات و مجازات متناسب، دادرسی افتراقی جرائم اشخاص حقوقی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر در نظام‌های عدالت کیفری مدرن به شمار می‌رود (Simpson & Ashworth, 2009: 23).

۶-۱- تفاوت ازنظر شخصیت و موقعیت مرتکب جرم

اکثر مرتکبان حقیقی جرائم اشخاص حقوقی به‌ظاهر متشخص و دارای جایگاه اجتماعی بالا هستند و اصطلاحا می‌تواند به آن‌ها یقه‌سفیدها نیز گفت. اصولا مجرمان در بستر جرائم اشخاص حقوقی از حمایت افراد بانفوذ و صاحب قدرت برخوردار هستند. نخستین و به عبارتی مهم‌ترین نکته در خصوص جرائم اشخاص حقوقی این است که مفاسد یا جرائم اقتصادی توسط هر مجرمی ارتکاب نمی‌یابند.

تمایز قائل شدن بین شخصیت و موقعیت در جرائم اشخاص حقوقی، اهمیتی فراتر از تعیین مسؤولیت کیفری و اعمال مجازات دارد. این تمایز به ما کمک می‌کند تا عواملی که می‌توانند منجر به ارتکاب جرم توسط اشخاص حقوقی شوند را شناسایی و در جهت رفع آن‌ها اقدام کنیم. با انجام این اقدامات پیشگیرانه، می‌توان از وقوع جرائم متعدد توسط اشخاص حقوقی جلوگیری کرد و جامعه‌ای امن‌تر و عادلانه‌تر را برای همه رقم زد (جعفری، ۱۳۹۸).

۲- ویژگی مرتبط با نوع جرائم اشخاص حقوقی

اشخاص حقوقی، مانند شرکت‌ها، اتحادیه‌ها و مؤسسات، موجودیت‌هایی مجزا از اعضای خود هستند و می‌توانند به‌عنوان یک واحد عمل کنند. این امر دارای پیامدهای مهمی در زمینه جرم‌شناسی و دادرسی کیفری است. نظریات جرم‌شناسی در مورد جرائم اشخاص حقوقی به‌طورکلی بر این نکته تأکیددارند که این اشخاص می‌توانند به دلیل اقدامات خود که توسط نمایندگان آن‌ها (مانند مدیران یا کارکنان) انجام می‌شود، مسؤول شناخته شوند. این امر به این دلیل است که اشخاص حقوقی می‌توانند برای ارتکاب جرم تصمیم بگیرند و از طریق نمایندگان خود عمل کنند. بخشی از ضرورت دادرسی افتراقی برای جرائم اشخاص حقوقی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد جرائم این اشخاص ناشی می‌شود.

بخشی از این ویژگی‌ها شامل سازمان‌یافته بودن، یقه‌سفید بودن، پیچیده بودن، تأثیر خاص بر اقتصاد و سودمند بودن می‌باشد که ذیلا به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۲- سازمان‌یافته بودن

جرائم سازمان‌یافته یا شرکتی به جرائمی اطلاق می‌شود که توسط گروه‌ها یا سازمان‌های متشکل از افراد، باهدف کسب سود و به‌صورت سیستماتیک انجام می‌شوند. این نوع جرائم معمولا شامل فعالیت‌هایی مانند قاچاق مواد مخدر، کلاه‌برداری‌های کلان و سایر فعالیت‌های غیرقانونی است که نیاز به همکاری و هماهنگی بین اعضای گروه دارد.

اگر یک شخص حقوقی به‌طور سیستماتیک و با همکاری اعضای خود به ارتکاب جرائم بپردازد، می‌توان آن را به‌عنوان جرم سازمان‌یافته تلقی کرد. برای مثال، یک شرکت ممکن است در فعالیت‌های غیرقانونی مانند پول‌شویی یا فساد اداری مشارکت کند که این موارد می‌تواند مصداق جرائم سازمان‌یافته باشد. جرائم سازمان‌یافته معمولا نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و پنهان‌کاری هستند. اشخاص حقوقی نیز ممکن است از ساختارهای پیچیده برای پنهان کردن فعالیت‌های غیرقانونی خود استفاده کنند. درنتیجه، می‌توان گفت که جرائم اشخاص حقوقی می‌توانند به‌صورت سازمان‌یافته ارتکاب پیدا کنند، به‌شرط آنکه شرایط لازم برای تعریف جرم سازمان‌یافته وجود داشته باشد (مقیمی و صوفی‌زمرد، ۱۳۹۷). به نظر می‌رسد اکثر جرائم ارتکابی توسط اشخاص حقوقی در تمام دنیا دارای

ویژگی سازمان‌یافته بودن می‌باشد، که با توجه به این ویژگی‌ها نیازمند دادرسی افتراقی می‌باشد.

۲-۲- یقه‌سفید بودن

معمولا مجرمین یقه‌سفید برای پنهان کردن نام و نشان خود در فعالیت‌های مجرمانه اقدام به ثبت شرکت‌ها و اشخاص حقوقی می‌نمایند تا در پشت پرده شخصیت مستقل این اشخاص، به حیات مجرمانه خود ادامه دهند. این‌گونه اشخاص حقوقی و شرکت‌ها در عالم حقوق و جرم‌شناسی به شرکت‌های کاغذی معروف هستند. مهم‌ترین مصادیق جرائم ارتکابی مجرمین یقه‌سفید عبارت‌اند از: کلاه‌برداری، فساد مالی (شامل ارتشا)، جرائم کاری و استخدامی، جرائم مربوط به نقض حقوق مصرف‌کنندگان، جرائم مربوط به مواد غذایی و دارویی، جرائم زیست‌محیطی، جرائم رایانه‌ای و جرائم گمرکی. برخی از جرائم یقه‌سفیدی بزه‌دیده مستقیم دارند و برخی بزه‌دیده مستقیم ندارند ولی به‌هرحال جامعه و اعضای آن بزه‌دیده واقع می‌شوند (سلیمی، ۱۳۸۲: ۲۳۹). در تقسیم‌بندی جرائم از نگاه جرم‌شناسی، جرم شرکتی زیرمجموعه جرائم یقه‌سفیدها قرار می‌گیرد. جرم‌شناسان برای توضیح فرآیند ارتکاب این جرائم و راه‌های پیشگیری و مبارزه با آن، طیف وسیعی از تفاسیر و نظریات را در این زمینه ارائه کرده‌اند که هرکدام به مکاتب مختلفی اعم از زیست‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ... تعلق دارد و از یک مفهوم اصلی به‌عنوان هسته مرکزی برخوردار است (محسنی، ۱۳۹۱: ۱۳۹). لذا به نظر می‌رسد اکثر جرائم ارتکابی توسط اشخاص حقوقی در تمام دنیا دارای ویژگی یقه‌سفیدی می‌باشد که با توجه به این ویژگی‌ها نیازمند دادرسی افتراقی می‌باشد.

۲-۳- پیچیده بودن

جرائم اشخاص حقوقی در نوع خود بسیار پیچیده هستند. از طرفی شخصیت پیچیده آن‌ها نیز در اجرای مجازات مشکلاتی را به وجود می‌آورد. یکی از دلایلی که مخالفان مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی برای نفی مسؤولیت آن‌ها اقامه می‌کنند این است که کیفرهای پیش‌بینی‌شده در قانون مانند اعدام و حبس و تبعید مخصوص اشخاص طبیعی است و درباره اشخاص حقوقی قابل‌اجرای نیستند؛ که البته امروزه با تنوع مجازات‌های متناسب با شخصیت اشخاص حقوقی این‌گونه ایرادات منطقی به نظر نمی‌رسد و شاید حتی نظریه‌پردازان این نوع نگاه نظر خود را امروزه یا در آینده‌ای نزدیک تغییر دهند.

اشخاص حقوقی مخصوصا درجایی که به‌عنوان یک شرکت تجاری، فعالیت‌های اقتصادی گسترده‌ای در سطح داخلی و یا بین‌المللی در قالب نمایندگی‌ها و شعب مختلف بر عهده می‌گیرند، دارای ساختارهای بسیار پیچیده‌ای می‌باشد. این پیچیدگی در ساختارهای بدنه شکل‌گیری اشخاص حقوقی، می‌تواند موجب جرائم پیچیده‌ای توسط اینکه حتی تشخیص ارکان تصمیم گیر جهت تعیین نماینده قانونی آن‌گونه که ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی بیان می‌نماید را با مشکلاتی مواجه سازد. لذا به نظر می‌رسد اکثر جرائم ارتکابی توسط اشخاص حقوقی در تمام دنیا دارای پیچیدگی خاصی می‌باشد، که با توجه به این ویژگی‌ها نیازمند دادرسی افتراقی می‌باشد.

۲-۴- تأثیر بر اقتصاد

هرچند که اشخاص حقوقی در قوانین همه کشورها می‌توانند موضوع فعالیت‌های متفاوتی داشته باشند؛ اما واقعیت این است که هرگاه عبارت شخص حقوقی به گوش می‌رسد، دارای تبادر ذهنی شخص حقوقی تجاری که فعالیت اقتصادی را انجام می‌دهد، می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد، به‌صورت کلی فعالیت‌های اشخاص حقوقی بر اقتصاد تأثیر بسزایی دارد، ازاین‌رو نیازمند مطالعه دقیق در این مورد می‌باشیم. با این توضیح بیشترین بخش جرائم ارتکابی توسط اشخاص حقوقی جرائم اقتصادی و جرائم مربوط به حوزه اموال می‌باشد.

به‌طورکلی فساد اقتصادی سبب کاهش سرمایه‌گذاری و کند شدن رشد اقتصادی و درنهایت باعث عدم تحقق اهداف توسعه اقتصادی در هر کشور می‌شود، درآمدهای مالیاتی را کاهش می‌دهد و کیفیت زیرساخت‌های اقتصادی و خدمات عمومی را تنزل می‌دهد (شیرزادی و حسینی، ۱۳۹۵). جرائم اشخاص حقوقی فراتر از هزینه‌های اولیه و مستقیم، هزینه‌های ثانویه دیگری نیز به همراه دارد که به همان اندازه زیان‌بار است. تضعیف اعتماد در نظام اقتصادی و در میان رهبران تجاری، از دست رفتن اعتماد و اطمینان در نهادها، فرآیندها و رهبران

سیاسی و فرسایش اخلاق عمومی سه حوزه مهم پیامد ثانویه جرم یقه‌سفیدها محسوب می‌شوند. جرائم و فساد یقه‌سفیدها با پیامدهای اقتصادی و امنیتی آن در تمام کشورهای جهان (کم‌وبیش) وجود دارد (Sutton & Wild, 2018).

۲-۵- سودمند بودن دادرسی افتراقی

دادرسی افتراقی جرم اشخاص حقوقی، رویکردی است که در آن اشخاص حقوقی (مانند شرکت‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات) به‌طور جداگانه از افراد حقیقی برای جرائمی که مرتکب می‌شوند، مورد پیگرد قانونی قرار می‌گیرند. این رویکرد در مقابل دادرسی سنتی است که در آن اشخاص حقوقی از طریق نمایندگان خود (مانند مدیران یا کارکنان) مسؤول شناخته می‌شوند.

مزایای متعددی برای دادرسی افتراقی جرائم اشخاص حقوقی وجود دارد که سودمندی آن را توجیه می‌کند:

۱. عدالت: دادرسی افتراقی به ترویج عدالت در سیستم‌های حقوقی کمک می‌کند. این امر به این دلیل است که این رویکرد به‌طور خاص اشخاص حقوقی را برای اقدامات خود پاسخگو می‌کند، نه‌فقط افراد را. این امر می‌تواند به‌ویژه در مواردی که جرم توسط مدیران یا کارکنان رده‌بالا ارتکاب شده باشد، مهم باشد، اما این افراد به‌طور کامل از جرم آگاه نبوده یا در آن نقشی نداشته باشند.

۲. بازدارندگی: دادرسی افتراقی می‌تواند به بازدارندگی از ارتکاب جرم توسط اشخاص حقوقی کمک کند. این امر به این دلیل است که این رویکرد به اشخاص حقوقی نشان می‌دهد که آن‌ها در صورت ارتکاب جرم با مجازات جدی روبرو خواهند شد. این مجازات‌ها ممکن است شامل جریمه‌های نقدی، جریمه‌های مدنی و حتی انحلال شرکت باشد.

۳. محافظت از ذینفعان: دادرسی افتراقی می‌تواند به محافظت از ذینفعان اشخاص حقوقی، مانند سهامداران، کارکنان و مشتریان، در برابر جرائمی که توسط آن اشخاص ارتکاب می‌شود، کمک کند. این امر به این دلیل است که این رویکرد به ذینفعان این امکان را می‌دهد که از اشخاص حقوقی برای جرائم‌شان غرامت دریافت کنند.

۴. کارایی اجرای قانون: دادرسی افتراقی می‌تواند به افزایش کارایی اجرای قانون در مورد جرائم اشخاص حقوقی کمک کند. این امر به این دلیل است که این رویکرد به مقامات اجرای قانون این امکان را می‌دهد که مستقیما بر خود اشخاص حقوقی تمرکز کنند، نه‌فقط بر افراد. این امر می‌تواند منجر به تحقیقات و پیگرد قانونی سریع‌تر و مؤثرتر شود.

۵. فرهنگ انطباق: دادرسی افتراقی می‌تواند به ترویج فرهنگ انطباق در بین اشخاص حقوقی کمک کند. این امر به این دلیل است که این رویکرد به اشخاص حقوقی نشان می‌دهد که آن‌ها باید برای جلوگیری از ارتکاب جرم اقدامات لازم را انجام دهند. این امر می‌تواند منجر به کاهش جرائم اشخاص حقوقی در بلندمدت شود. درمجموع، دادرسی افتراقی جرم اشخاص حقوقی ابزاری مهم برای اطمینان از عدالت، بازدارندگی از جرم، محافظت از ذینفعان، افزایش کارایی اجرای قانون و ترویج فرهنگ انطباق است (گلشان، ۱۳۹۳: ۱۱).

۲-۶- رسیدگی افتراقی بر مبنای رفتار مجرمانه

جرائم اشخاص حقوقی انواعی گوناگون دارند و این به معنای وجود رفتارهای متفاوت در این‌گونه جرائم است. اگرچه برخی اصول و کلیات در آن یکسان هستند، وقوع هرکدام از جرائم اشخاص حقوقی مستلزم بروز رفتارهایی متفاوت است. باوجوداین، برخی رفتارها در این جرائم از قبیل نیرنگ، فریب، سوءاستفاده از اعتماد، پنهان‌کاری، سوءاستفاده از جایگاه شغلی و دسترسی به منابع قدرت یکسان هستند.

نوع رفتار در جرائم اشخاص حقوقی معیاری مناسب برای تمایز جرائم اشخاص حقوقی از اشخاص حقیقی است. این بدان معناست که نه‌تنها رفتار جرائم اشخاص حقوقی با نوع رفتار در جرائم اشخاص حقیقی متفاوت است، بلکه حتی رفتار در جرائم اشخاص حقوقی نیز از انواعی گوناگون برخوردار است. برای تشخیص نوع رفتار جرم اشخاص حقوقی، عموما رفتار مجرم مطالعه می‌شود و بر آن اساس جرائم اشخاص حقوقی از دیگر جرائم متمایز می‌شود؛ بنابراین، باید گفت نمی‌توان جرائم اشخاص حقوقی را در یک دسته در نظر گرفت و نحوه رسیدگی به این جرائم را به‌صورت یک‌شکل پیش برد، زیرا به سبب تفاوت در رفتار جرائم اشخاص حقوقی که تفاوت در آثار جرم

را شامل می‌شود، بهتر است روند دادرسی جرائم اشخاص حقوقی بر اساس رفتار جرم متفاوت باشد. از سوی دیگر، باید اذعان داشت، استفاده از رویکرد جامعه‌شناختی در جرائم اشخاص حقوقی نمی‌تواند کارساز باشد و بهتر است از رویکرد اقتصادی استفاده شود و ماهیت رفتارهای مجرمانه را نیز در بستر ارتکاب آن‌ها در نظر گرفت.

در نظام‌های عدالت کیفری مدرن، تمایز قائل شدن بین جرائم اشخاص حقیقی و حقوقی امری ضروری است. به دلیل ماهیت متفاوت این دو نوع جرم، رسیدگی به آن‌ها نیز باید به‌صورت مجزا انجام شود. در این راستا، مفهوم "رسیدگی افتراقی بر مبنای رفتار مجرمانه " در مورد جرائم اشخاص حقوقی مطرح می‌شود .این رویکرد بر این اصل استوار است که در تعیین مجازات برای اشخاص حقوقی، باید به سابقه تخلفات و رفتار مجرمانه آن‌ها توجه شود. به‌عبارت‌دیگر، مجازات‌ها باید متناسب با شدت جرم ارتکابی و میزان سابقه تخلفات قبلی شخص حقوقی باشد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸).

۷-۲- رسیدگی افتراقی بر مبنای مرتکب جرم

رفتار مجرمانه ارتکابی توسط اشخاص حقوقی آن‌گونه که ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی در ایران و فصل ششم قانون آیین دادرسی کیفری امریکا بیان می‌دارد، توسط یک شخص حقیقی و انسان ارتکاب پیدا می‌نماید که الزاما می‌بایست نماینده قانونی شخص حقوقی باشد؛ و نه هر عضو و یا سهام‌دار و یا مدیر دیگر. لذا بررسی مرتکب جرم که عناصر متشکله جرم را باید به او منتسب نماییم در این‌گونه اشخاص با جرائم اشخاص حقیقی کاملا متفاوت است.

انتساب جرم به شخص حقوقی در قوانین امریکا؛ به این نحو است که جرمی که توسط یک نماینده یا کارمند شخص حقوقی در حین انجام وظایف خود ارتکاب یافته، می‌تواند به شخص حقوقی نیز منتسب شود (Model Penal Code, 1962, § 2.07).

در نظام حقوقی ایالات‌متحده، مفهوم "رسیدگی افتراقی بر مبنای مرتکب جرم" در مورد جرائم اشخاص حقوقی به‌طور صریح در هیچ قانون فدرالی تعریف نشده است. بااین‌حال، این رویکرد از طریق رویه قضایی و تفسیر قوانین مرتبط به‌تدریج در حال شکل‌گیری است. این رسیدگی افتراقی اصول کلیدی نیز دارد؛ ازجمله اینکه، در اشخاص حقوقی به دلیل اعمال مجرمانه "عاملان" خود که در چارچوب وظایف شغلی یا نمایندگی از شخص حقوقی عمل می‌کنند، ازنظر کیفری مسؤول شناخته می‌شوند؛ و علاوه بر آن "عامل" یا همان نماینده قانونی شخص حقوقی که مرتکب جرم شده است، به‌عنوان "مرتکب جرم" شناخته می‌شود. هرچه "مرتکب جرم" نقش برجسته‌تر و سطح مسؤولیت بالاتری در ارتکاب جرم داشته باشد، مجازات شخص حقوقی نیز سنگین‌تر خواهد بود. اگر "مرتکب جرم" سابقه ارتکاب جرائم مشابه داشته باشد، احتمالا مجازات شخص حقوقی نیز سنگین‌تر خواهد بود. اگر "مرتکب جرم" با مقامات همکاری کند، ممکن است مجازات شخص حقوقی سبک‌تر باشد. اگر شخص حقوقی در برنامه‌های اصلاحی برای ارتقای انطباق با قوانین و جلوگیری از تکرار جرم شرکت کند، ممکن است مجازات سبک‌تر باشد. بااین‌حال رویه قضایی در مورد رسیدگی افتراقی در ایالات‌متحده از ایالتی به ایالت دیگر متفاوت است (جعفری، ۱۳۹۸).

نتیجه‌گیری

امروزه دادرسی افتراقی جرائم اشخاص حقوقی، به دلیل ویژگی های منحصربه‌فرد این اشخاص امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. نظام‌های حقوقی ایران و آمریکا با رویکردهای متفاوت، تلاش می‌کنند تا عدالت را در برخورد با جرائم این اشخاص محقق سازند. با توجه به پیچیدگی‌های دادرسی جرائم این اشخاص، بازنگری و به‌روزرسانی قوانین مرتبط در هر دو نظام ضروری به نظر می‌رسد. چراکه اساسا اشخاص حقوقی دارای ساختار و شخصیت خاص و متفاوتی از اشخاص حقیقی می‌باشند. از جمله می‌توان این تفاوت را در شخصیت مستقل آنها ز اعضای تشکیل‌دهنده آنها که اشخاص حقیقی می‌باشند، ماهیت و اهداف ارتکاب جرائم اشخاص حقوقی، انگیزه‌های مالی در ارتکاب جرائم اشخاص حقوقی، شیوه‌های متفاوت ارتکاب جرم از سوی اشخاص حقوقی و تفاوت در موقعیت مرتکب جستجو نمود. از نظر نوع جرائمی که اشخاص حقوق

مرتکب می‌شوند نیز تفاوت‌های چشمگیری بین جرم اشخاص حقیقی و حقوقی وجود دارد. از جمله آن می‌توان با توجه به همان ساختاری که سابقا به آن اشاره شد، سازمان‌یافته بودن، اصولا یقه‌سفید بودن، پیچیده بودن، تأثیر زیاد بر اقتصاد هر جامعه‌ای و... لذا با توجه به همه موارد فوق‌الذکر و گسترش روز به روز این اشخاص و به تبع آن پیچیدگی فعالیت‌های حقوقی آنها؛ وجود دادرسی افتراقی در مورد جرائم این اشخاص‌ها دوچندان می‌نماید. در این ضرورت و نیاز، تدوین و اصلاح قوانین مرتبط با دادرسی افتراقی در ایران و امریکا، برای تطابق بیشتر با چالش‌های جرائم اشخاص حقوقی؛ آموزش قضات و وکلای دادگستری برای برخورد تخصصی‌تر با جرائم اشخاص حقوقی؛ اعمال مجازات جایگزین برای اشخاص حقوقی مانند جریمه‌های سنگین، محدودیت‌های تجاری و خدمات عمومی؛ همکاری‌های بین‌المللی برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته شرکت‌های فراملی و نظارت و کنترل بیشتر بر فعالیت‌های اقتصادی و تجاری اشخاص حقوقی برای پیشگیری از جرائم احتمالی؛ ورد نیاز است که می‌بایست مورد توجه کشورهای ایران و امریکا و همچنین جامعه بین‌الملل قرار گیرد.

ملاحظات اخلاقی: در نگارش مقاله حاضر، ملاحظات اخلاقی از جمله امانت در ارجاع‌دهی رعایت شده است.

تعارض منافع: در مقاله حاضر تضاد منافعی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش پژوهش، به‌صورت مشترک توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمامی افرادی که در نگارش و بهبود کیفیت مقاله نقش داشتند، تشکر و قدردانی می‌شود.

تأمین اعتبار پژوهش: پژوهش حاضر بدون تأمین مالی انجام شده است.

منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

– جعفری، سید محمد (۱۳۹۸). *بررسی تطبیقی نظام‌های کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و سایر کشورها*. گزارش پژوهشی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

– سلیمی، صادق (۱۳۸۲). *جنایات سازمان‌یافته فراملی*. تهران: انتشارات تهران صدا.

– شیرزادی، رضا و حسینی، سید حسین (۱۳۹۵). «فساد و جرم اقتصادی؛ تهدید علیه امنیت ملی». *مجله کارآگاه*، ۹(۳۴).

– صوفی‌زمرد، محسن و مقیمی، مهدی (۱۳۹۷). «مفهوم و قلمرو جرائم سازمان‌یافته در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)». *مجله کارآگاه*، –(۴۴).

– محسنی، فرید (۱۳۹۱). «جرائم شرکتی از دیدگاه جرم‌شناختی». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۱۷(۵۷).

– گلشان، محمود (۱۳۹۳). «مسؤولیت کیفری شرکت‌ها در ایران». مجله مطالعات حقوقی ایران.

– مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸). *بررسی تطبیقی نظام‌های کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و سایر کشورها*.

ب. منابع انگلیسی

- American Bar Association, Criminal Justice Section (2013). *Sentencing of Organizations*. American Bar Association.

- Ashworth, A & Hagan, J (2008). *Corporate Liability: Pathfinder to Corporate Justice?* Oxford: Oxford University Press.

- Braithwaite, J (1984). *Corporate Crime in the Pharmaceutical Industry*. London: Routledge.

- Braithwaite, J (2002). *Restorative Justice and Corporate Wrongdoing*. New York: Routledge.

- Calvert, S (2008). *Corporate Criminal Liability in the United States: A Critical Analysis*. New York: Cambridge University Press.

- Choi, S.-H & Sharman, M (2005). *Corporate Criminal Liability in the Global Economy: A Comparative Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Federal Bureau of Investigation (1989). *White-Collar Crime: A Report to the Public*. Washington DC, US Department of Justice.

- Green, S. P (2005). What's Wrong with Bribery. In R. A. Duff & S. P. Green (Eds.), Defining Crimes: Essays on the Criminal Law's Spacial Part. Oxford University Press.

- Guyer, S & Payne, J (2009). *Business and Human Rights: Legal Responsibilities and Ethical Management*. New York: Routledge.

- Newburn, T (2007). *Criminology* (1st ed.). Willan Publishing.

- Price, M & Norris, D. M (2009). "White Collar Crime: Corporate and Securities and Commodity Fraud". *Journal of the American Academy of Psychiatry and the Law*, 37(4).

- Simpson, S & Ashworth, A (2009). *Corporate Crime: A Regulatory Perspective*. New York: Routledge.

- Sutton, A & Wild, R (2018). "Small Business: White-Collar Villains or Victims?" *International Journal of the Sociology of Law*, 13

- *Model Penal Code* § 2.07 (1962).